

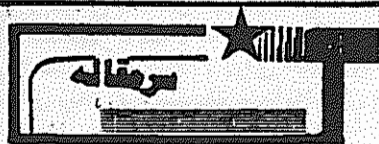
# تعدیل بحران

## به سیاق جمهوری اسلامی

اقتصاد ایران که بخشی از اقتصاد سرمایه‌داری جهانی را تشکیل می‌دهد دچار بحران مزمن و فزاینده رکود ستوربی است، بحلت جنبه‌های اقتصادی احتمالی و سیاسی جامعه نسبت به بحران اقتصاد جهانی گسترده‌تر است. ابعاد بیکاری و رکود در بخش تولیدی، تورم هرج و مرج اقتصادی حاکم بر جامعه از وسعت و عمق بیشتر و سخت‌تر و بیژامای برخوردار است. بطوریکه از یکسو هرروزه زندگی زحمتکشان میهن‌مان را دشوارتر ساخته و از سوی دیگر

زمینساز مرک رژیم انگلی و رو به زوال جمهوری سرمایه‌داری جهانی را تهدید می‌کند. بطوریکه با تحول اقتصاد سرمایه‌داری از دوران رقابتی به دوران امپریالیستی یعنی با تمرکز تولید، تشکیل انحصارات، افزایش نقش فوق‌العاده اقتصادی - بوروکراتیک دولت، جهانی شدن سرمایه مالی و بالاخره یکپارچگی نسبی در نظام سرمایه‌داری جهانی، تضاد بنیادین سیستم سرمایه‌داری، تضاد بین خصلت تولید اجتماعی و تملک خصوصی،

بقیه در صفحه ۳



### چشم انداز

### بن بست قدرت

پس از وقایع ۳۰ خرداد که منجر به حذف بنی صبر و دارودستمان از قدرت خائنه شد و خود نقطه وحدتی در جناح‌های مختلف رژیم پدید آورده بود و تا مدتی پس از آن یعنی تا مقطع سقوط کابینه رجایی و باهنر این وحدت بطور نسبی حفظ شد. اما از اواخر سال ۶۰ و با تشکیل کابینه جدید، نقاط اختلاف به تدریج عمده گشت و بار دیگر دعوای قدرت بالا گرفت و این روند همچنان توس صعود می‌پیوندد. مضمون اصلی این تضاد، گذشته از نامهربانی و هنجاری که نمایندگان جناح‌های مختلف پخش گرفته و تفسیر و تحولاتی که در این صف پدید آمده است، تضاد بین نمایندگان شیوه مناسبات پیشرفته سرمایه‌داری و نمایندگان مناسبات عقب مانده سرمایه‌داری پورصر شیوه

بقیه در صفحه ۲

## تسورای ملی مقاومت و مسئله خود مختاری

سرانجام تسورای ملی مقاومت پس از دو سال سر تسلیم فرود آورد. پاسخ تسورای بورژوازی مقاومت در ارائه نقطه نظراتش پیرامون ساله ملی مقاومت به مبارزات سرخ خلق کرده ارائه خود مختاری خلقهای ایران، ظاهراً در مقابل طرحی زرد است که در یک کلام ضایع بورژوازی فشار مبارزات خلق کرد و انتقادات و فشارها کرد را با منافع بورژوازی ایران پیوند می‌زند و که از سوی سازمانهای انقلابی و از جمله سازمان در این میان مبارزه صلحانه انقلابی خلق کرد ایران وارد می‌شد و همچنین فشارهای درونی و بیرونی این پیوند قرار گرفته است. سرب دموکرات به "تسورا" که خود تحت تاثیر و طرح خود مختاری تسورا با حمله به تیروهای فشار حاصله از پایهای تسورا قرار داشت،

بقیه در صفحه ۵

## نگرشی بر نحوه توزیع در جمهوری اسلامی

توزیع نیز همچون دیگر مسائل و معضلات جامعه امروز ایران، دچار تناقضات و تضاد هائی است که خود انعکاس و آینه تمام نمای از رژیم جمهوری اسلامی می‌باشد. در حالی که جناحی از رژیم بسرکردگی تجار و بازرگانان کثرت بر واردات و توزیع را از سوی دولت بردود می‌شمارند، تعدیل بحران عمیق اقتصادی و تورم سرسام‌آور ارگان‌های

دولتی نه بی‌تلاش دارند توزیع را هرچه بیشتر در کنترل دولت در آورند. در این میان در درون ارگانهای مختلف توزیع خصوصی نیز تضاد هائی وجود دارد.

هم اکنون بیشترین نقش را در توزیع اعم از کالاهای مصرفی و... اتحادیه‌های مختلف اصناف دارند. این اتحادیه‌ها متسلک از

بقیه در صفحه ۸

## خلق قهرمان ترکمن، خاری در چشم رژیم

در صفحه ۷

### در این شماره

● دادا اشتباهی سیاسی

● ضمیمه خبری کار

● نگرشی بر فعالیت‌های...

● سال نو میلادی...

چشم انداز

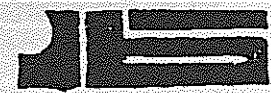
بازسازی سیستم ضربه - ورده سرمایه داری و راه روشهای متفاوت ارائه شده از جانب آنان در کاهش بحران فزاینده اقتصادی و نارضایتی وسیع توده های و بالنتیجه حفظ موجودیت سیستم است. در این میان گامینه که اکثریت آن متشکل از بوروکراتهای یا متعلق سرمایه داران است از آنجا که مستقیماً با فشارهای عمده جامعه سیستم کنونی دست بگریبانند، برای آنکه در لابلای چرخهای رنگ زده سیستم سرمایه داری وابسته خود نترسند، سعی در انطباق خود با آن و تبعیت از قانونندی های موجود در سیستم دارند. رسیدن از رژیم گذشته دارند. جدا از اقداماتی که تاکنون در جهت ترمیم بخشیدن به سیستم صورت گرفته و از جمله آنها وزارت کردن ارگانهای غیر دولتی نظیر سپاه، جهاد و... که با مقاومت هایی نیز توأم بود، اکنون به آن نقطه حیاتی جناح رقیب (بورژوازی تجاری) چنگ انداخته است، یعنی به کنترل درآوردن تجارت خارجی و داخلی، کانالهای مبادله سرمایه بسوی تولید و ایجاد هماهنگی هایی بین بخشهای مختلف سرمایه و فرصتهای در حد مناسب با روند تکاملی سرمایه داری وابسته. این سیاست که از سوی مسئولین اجرائی (هیئات وزیران) ارائه می شود از دو زاویه قابل بررسی است. یکی اینکه بازسازی سیستم گذشته، ضرورت اعمال چنین سیاستی را تحمیل می کند و دیگری قانونندی تمام تمامی کشورهای سرمایه داری در شرایط بحرانهای عمیق این سیاست را می طلبد. اگر در کشورهای سرمایه داری امریالیستی درگیر بحرانهای حاد، این قانونندی خود را در ظهور احزاب با اصطلاح سوسیالیست (در واقع نماینده جناحی از انحصارات امریالیستی نشان میدهد که مدعی حل بحران از طریق اعمال یک سلسله رفرمهای ارتجاعی بوروکراتیک و کنترل بیشتر دولتی هستند) تا سوسیالیسم واقعی را در آن زمان توده ها سوسیالیسم که اشی خودجا برزند، در اینجا و در شرایط کنونی نیز تمرکز بخشیدن در عملکرد سرمایه از سوی گامینه، ادامه همان سیاست و قانونندی رژیمهای سرمایه داری غوطه در بحران است. اما تحاد کوشمهایی از دزدیها و فریبکاریهای ویژه وابسته به جناح رقیب را بر ملا کرد. اما از این حربه هیچ یک از دو طرف سودی نمیکنند. تنها از آن توده هایی که باقیمانده های از توهومات نسبت به رژیم را بدوش می کشیدند، توهم زدائی شد. آخرین برفی که بورژوازی تجاری در نمود مراجعه به مراجع با اصطلاح تقلید از جمله گامیگانی و طرح این ساله که سیاست های دولت سوسیالیستی است و این فتوا را دریافت کرد که بنابراین پرداخت مالیات به دولت یک عمل غیر شرعی بوده و باید لغوشود و تنها خمس و ذکات اسلامی و ضری است و این فتوا بطور وسیعی در شهرها و ویژه بازار تهران توزیع شد که مورد استقبال بازاریان قرار گرفت. بی از موارد مطروحه در نطق خضی باین ساله بر میگشت و خطاب به این دسته از روحانیون بود که بقول خضی ضرورتها

تجربه و توزیع کالاها که از سوی گامینه بوجود جامعه آموزی را درک نمی کنند و وحشت او از آمده هستند. این ساله که اگر مالیاتها قطع شود بر سر ما شین خواستهای این بخش از بورژوازی را بهتر تنظیم جنگی اش چه خواهد آمد؟ است از زبان نماینده طبقاتی آنان بشنومیم: اما قستی دیگر از نطق وی هر چند داشتن بوراستاد نماینده قدرتمند این جریان، هر دو جناح رقیب از بر ملا کردن دزدی ها و یکی از تجار آهن و نماینده مجلس شورایی غارتگری ها، به عبارت دیگر استیضاحهای اخیر اسلامی و همچنین فضولیت نمایندگان اتاق و تدکرایز نکته که ضافع مشترک هر دو جناح در بازار گانی در ضمن اجلاس اتاقهای بازرگانی حفظ رژیم کنونی است. هر چند که هر دو جناح سراسر کشور که در ابنا راه برگزار شد چنین در عمیق بخشیدن به ایدئولوژی اسلامی شار می گوید: نتیجه غرب زدگی در زمان سابق (با تفاوت هایی) و برنامه های سرگرم کننده و آتش طبیعی آن شرق زدگی شد... خط بر علیه مبارزات توده ها و وحدت کامل دارند، از گونیم را چه کسی توی این میلتک را مانند اختنمینی با اشاره به دشمنان طبقاتی شان یعنی آنوقت دم از تخصص میزنند. آقایان جوانها حضور نیروهای انقلابی و تد اوام مبارزات توده که تخصص ندارند. بیاید لا اقل از تجربه های زحمتکش بر این امر تاکید مجدد کرد. بازارها استفاده کنید... من در این مجلس اما خضی بطور دعوت از آنها به سازش و با صدای بلند اعلام می کنم که صف آهن فروش تمکین، با حمایت از سیاستهای گامینه، از حاضر است، بمن پیشنهاد داده که با همین جناح مقابل خواست که بر این سیاستها حتی ارزی که فعلاً دولت برای آهن اختصاص بطور موقت هم که شده گردن نهند. این امر داده است حاضر است واردات آهن را در بیانگر این نکته بود که چگونه واقعیات و فشار دست بگیرد، نوبت های یکساله را از بین های عینی، خضی را بطور دکامتیسیم ر برد، بازار سپاه را از بین برد، قیمت افغانیسیم خاصه، و ادار به تن دادن به ت آهن را هم از این که هست بیشتر نکند. ۱٪ از گامینه کرده و پایتختی قدرتش را که بقول بیشتر از این صلفی که دولت از تجارت آهن روی صحنه متحرک انقلاب بود و ضافع آنان سود می برد بدولت بدهد. بیاید این یک را نادیده گرفته است. پس از نطق خضی پیشنهاد را عمل کنید. اگر نتیجه گرفتید بچه حمایتی بی دریغ ارگانها و نهادها را هم همین طور عمل کنید. مگر این آقایان خلاصه همه جبهه و جماعات و... از نطق توده های ها نکفتند و اقرار نکردند ما طرح می دادیم، ترمیم شخصیت میگردیم، من از سگولین می خواهم از این آقایان پرسند چگونه و توسط چه اشخاصی و از چه کانال هائوسی برنامه های سوسیالیستی خود را به دولت می رسانند مانند. این خط را کف کنید خضی حقایق معلوم خواهد شد. طلت بازار سپاه معلوم خواهد شد، ریشه گرانی ها هم کف خواهد شد... (هفتماه شماره ۱۷ - ۲۶ آور)

این تضاد در حوزه قوه مقننه گمناهندگان هر دو جناح را در خود جای داده نیز خود را نشان داد بطوریکه از چندی پیش در مجلس یک سری استیضاح آغاز شد و هر یک از دو جناح رقیب که نمایندگان مدافع خود را در مجلس دارند، برای از میدان بدر کردن جناح مقابل، کوشمهایی از دزدیها و فریبکاریهای ویژه وابسته به جناح رقیب را بر ملا کرد. اما از این حربه هیچ یک از دو طرف سودی نمیکنند. تنها از آن توده هایی که باقیمانده های از توهومات نسبت به رژیم را بدوش می کشیدند، توهم زدائی شد. آخرین برفی که بورژوازی تجاری در نمود مراجعه به مراجع با اصطلاح تقلید از جمله گامیگانی و طرح این ساله که سیاست های دولت سوسیالیستی است و این فتوا را دریافت کرد که بنابراین پرداخت مالیات به دولت یک عمل غیر شرعی بوده و باید لغوشود و تنها خمس و ذکات اسلامی و ضری است و این فتوا بطور وسیعی در شهرها و ویژه بازار تهران توزیع شد که مورد استقبال بازاریان قرار گرفت. بی از موارد مطروحه در نطق خضی باین ساله بر میگشت و خطاب به این دسته از روحانیون بود که بقول خضی ضرورتها

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

بچه دو صفحه ۱۰



# تعدیل بحران

تعمیق یافته و جهانشمول شده است. بطوری که دیگر تصمیم گیری های منفرد اقتصاد دانان بورژوازی در سطح ملی برای تعدیل بحران منظور نگذار از بحران و گام گذاشتن بصرفه انکشاف اقتصادی بر زمینه مناسبات سرمایه - داری امری صبری شده است. به علت خصلت اجتماعی تولید ز هم در سطح ملی و هم در سطح جهانی ( و تصاحب بخش عمده محصول توسط عده های معدود و تسری بحران در سطح جهانی بویژه از جوامعی که نقش سلط و یا عده برجسبان سرمایه داری دارند ( آمریکا، پارامای از کشورهای اروپای غربی و ژاپن ) و نیز در کشور سیکل بحران و عدم کارآئی ابزار کلاسیک کنترل بحران بمنتهائی در سطح ملی، سیاستهای اقتصادی تعدیل بحران فقط در سطح ملی به ترهات پوچ و خود رسواگری تنیده شده است.

بهر حال ، اما ، دولتهای سرمایه داری در هنگام بروز بحران که اکنون در وجه عده بصورت بحرانهای رکود - تورمی عارض میشود ( و در جوامع مختلف بویژه جوامع امپریالیستی و جوامع تحت سلطه می تواند اشکال بسوز متفاوتی داشته باشد ) ، در جهت تعدیل بحران بمنظور کاهش فشار بر سرمایه و حفظ مامن دولتی پاسداران و نیز بمنظور تخفیف زمینه هائی که در اثر تدویم بحران برآمد های تودهای را منکن گردانیده و از این طریق حیات جامعه سرمایه داری را تهدید می کند، به اتخاذ سیاستهای اقتصادی ( و عمدتاً " پولی و مالی ) در سطح ملی و در رابطه با سرمایه جهانی امپریالیستی مبادرت میورزند. عملکرد ارگانیک سرمایه مالی جهانی از یکسو

و تضاد ( رقابتهای ) سیاستها و عملکرد های اقتصادی دول جهان امپریالیستی ( بنا به توانمندی و نقش در تقسیم بین المللی کار امپریالیستی ) و انحصارات بین المللی برای تعدیل بحران در جهت حفظ هر چه بیشتر منافع خود از سوی دیگر ، در زمانهای بحرانی هر چه بیشتر آشکار می شود . رژیم جمهوری اسلامی نیز همانند هر دولت سرمایه دار دیگری بمنظور حفظ و حراست از حرم سرمایه و رفع موانع باز دارند و دخل در امر گردش و عملکرد سرمایه به به اتخاذ سیاستهای اقتصادی پرداخته و آنها با بوق و کرنا اعلام داشته است. اصلاً این سیاستها نیز به سبک و سیاق جمهوری اسلامی است یعنی سیاستهایی که گرایش و عملکرد کلی آن در جهت حفظ و حراست از حرم سرمایه عقب مانده تحت سیطره بورژوازی تجاری ( " بازاری " بمعنای اصطلاح آن در ایران ) استوار است و دولت دلال پیش ( دولت بمعنای اعم کلمه و نه فی المثل آنچه که به کابینه اطلاق می شود ) منطبق با این سرمایه مجربش می باشد .

جیاولگری و ابلاغ گزائی بورژوازی حاکم و دولت به گونا بیست که باصطلاح سیاستهای اقتصادی تعدیل بحران را هم در خدمت تشدید جیاول هر چه بیشتر و تشدید بحران اقتصادی قرار می دهند . بورژوازی خاکسم ، دولتمردان و عطله و اکروه آنان که خود را برزمینه " بحران انقلابی موجود از یکسو و ساخت اقتصادی ایران از سوی دیگرماندنی نی یابند بقول معروف به بستن هر چه بیشتر بار و بندیل خود در اسرع وقت - تا قبل از مرگ محقوم خود - " ماکزیر " می یابند . بر این مبنا است که فعلاً " سیاستهای اقتصادی امپریالیستها نیز در رابطه با رژیم خصلتی دلالی یافته و پرکسب سود انبوه و فوری و عمدتاً " بر مبنای تجارت کالا عملکرد می یابد و بر این مبنا است که قوانین و لوایح و طرحهای " مردم ستیز " دولت که آنرا سیاستهای مالی و پولی در جهت تثبیت قیمتها مهار تورم و شکستن رکود تولیدی اعلام و تبلیغ می کند ، خود ابزاری برای منکدن آخرین صر در آمد زحمتکشان است . ابزاری است در جهت تشدید تورم که ارزش اضافی هر چه بیشتری را نصیب بورژوازی تجاری ساخته و عطل " سهم بورژوازی صنعتی را از ارزش اضافی محدود می گرداند ( با توجه به سیستم کنونی تولید و توزیع حاکم بر جامعه ) و رکود تولیدی را دامن می زند . ابزاری است که خهل لوسن بورولتاریای در خدمت رژیم را به نان و نواتی در خدمت خود می رساند و انباشتی حاکم بر سیستم جمهوری اسلامی را بر انباشتی حاکم بر شیوه " تولید سرمایه داری می افزاید . . . و بالاخره ابزاری است در خدمت تشدید بحران ، تورم و هرج و مرج که در زبان و دلالان ، تجار و واسطه ها ، رشو خواران و انواع و اقسام طفیلی های جامعه بر بیشتر آن سهم خود را می جویند و طلب می کنند و بهمان دامن می زنند .

این صحیح است که " سرمایه از سروردا فرار می کند و طبعاً ترسو است ، ولی هنوز تمام حقیقت نیست . . . اگر غوغا و دعوا بهره آور باشد ( یعنی سرمایه ) هر دو آنها را تشویق می کند " ( سرمایه جلد اول ) . این " سرمایه " حاکم بر جامعه ما بر زمینه عوغا و دعوا می تواند حکومت کند و بصورت های هتکست دست یابد . بدینگونه است که دولت این سرمایه بصورت دولتی ملوک الطوائفی بروز میزند ، دستگاههای مختلف قضائی - اجرائی برای تصاحب سهم " طایفه " خود ، تضاد های رشد یابنده اعمال حنک داخلی و تدویم جنگ خارجی ، تولید و باز تولید هرج و مرج ، از هم گسیختگی اقتصادی و اجتماعی ، فساد و ارتشا ، بسط دستگاههای سرکوب و قدری که هر یک به گوشه ای جنگ انداخته اند و انرا جولا نگاه خود می سازند و چون باجگیران سر چهار - سوی بازار در قدیم مالیات عبور می طلبند . سیاستهای باصطلاح اقتصادی این رژیم در تعدیل بحران چه برآیندی خواهد داشت ؟ " دستگاه اداری و نظامی و انتظامی ( ماشین دولتی ) بورژوازی انگل بر جامعه است . انگلی که تمام مسامات حیاتی را صادر

می کند و امروز در ایران این انگل در اختیار انگل ترین بخش بورژوازی است که نه تنها مسامات حیاتی را صادر می کند بلکه دشمن هرگونه حیات به معنی واقعی کلمه است. این انگل ، اما ، بنابه ماهیت طبقاتیش، بنا به کودنی تاریخیش، خود مسامات حیاتی خویش را نیز صادر می سازد . مفلوحتی تاریخی با شخصه " یغساکری پرستر تولید سرمایه داری . اما بهرحال این رژیم هم برای بقا - که قطعاً با این ماهیت نامیسر است - تا این اندازه می فسد که باید بحران اقتصادی را تعدیل بخشد . لیکن این خواست با ماهیت و ترکیب طبقاتی رژیم در تضاد قرار می گیرد . سیاست ها بقصد خود تبدیل می شود . دولتمردانی از رژیم بویژه بخش قالب کابینه و تکنوکراتها به این درک ناقل شده اند که برای حفظ سیستم و تدویم بهره کیسی باید جریکهای تولید اقتصادی بگردش درآید . رکود شکسته شود و تورم مهار گردد . لیکن این نیز بسا جیاولگری و بهره کیسی خاطر سرمایه عقب مانده بویژه بخش سلط آن که سرمایه تجاری است و با طیف وسیع انگلهای رنساژرنگی که رژیم توسط آنها سرپا نگهداشته شده است در تضاد قرار دارد . پس سیاستهای اقتصادی تعدیل بحران چگونه باید عملکرد یابند ؟ جواب روشن است از طریق فشار هر چه بیشتر بر کارگران . دهقانان . کسبه خریدار . کارمندان دولتی و نظیر اینها توام با حفظ و حراست از جیاولگری و بهره کیسی بخشهایی که فوقاً ذکر شد . در آنچه که گفته شد تضادی نهفته است که بتعدیل بحران نمی انجامد . اما این خود تضاد لاینحل رژیم جمهوری اسلامی است . بن بست سیاسی استهای اقتصادی رژیم است . بن بست تدویم حکومت سرمایه تجاری است .

برای درک ماهیت سیاستهای اقتصادی و عملکرد رژیم لازم نیست که کارنامه فضاحت بارش را از بدو تولد تاکنون در نظر آورد . چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است اظهارات اخیر " سران قوم " در مورد مهار تورم ، تثبیت قیمتها و . . . و نیز ماهیت بودجه سال ۶۳ برای این منظور کافی است . در اینجا نیز قصد ارائه تحلیلی از بودجه ۶۳ و سایر روشی باصطلاح ، برنامه های اقتصادی دولت در بین نیست . بلکه فقط نشان دادن گوشه هائی از سیاستهای اقتصادی رژیم در تعدیل بحران است که در حقیقت خود بحران زا است .

دو ترجیح بندی که در این باره از طرف بعضی از سران تکرار می شود عبارتست از اینست " پول سرگردان " و یا " حجم پول در دست مردم " ( ۱ ) زیاد است که این تصور علت تورم است و دوم آنکه " پولهای سرگردان باید در امر تولید کانالیزه شود " . و البته شخص نمی سازند که این " پولهای سرگردان " در دست چه کسانی و چگونه انباشته شده است و می شود ؟!

بهر حال بر این اساس سیاستهای مالی بقیه در صفحه ۴

رهبری طبخته کارگرفساعن پیروزی مبارزاند ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

### تعدیل بحران

و پولی دولت در جهت کاهش پول در گردش از یکسو و ایجاد مشوق های لازم برای سرمایه گذاری در امر تولید از سوی دیگر اعلام گشته است.

"پولهای سرگردان" باید در امر تولید بکار رود. بدین منظور گذشت از تنویری سرمایه های داخلی به تنویر سرمایه داران فراری به بازگشت پرداخته شده و رژیم تنصیب های لازم را در جهت حفظ سرمایه و سود آنها اعلام داشته است. باصطلاح حذف بهره بانکی نیز در این مسیر عطلکرد باید بیاید. بمنظور تنویر هرچه بیشتر سرمایه داران به سرمایه گذاری در امر تولیدی رژیم سیاستهای فوق ارتجاعی در مورد کارگران اتخاذ کرده است. بدین منظور برای استثمار و حشانه، ابتدائی و عربان از کارگران برای افزایش کسب ارزش اضافی مطلق و نسبی از طریق افزایش ساعات کاره از طریق تثبیت دستمزدها که در حقیقت بر زمینه تورم افسار گسیخته بمعنای کاهش دستمزد واقعی کارگران است، از طریق سلب کلیه حقوق کارگران تساعدها که مقدور است. از طریق قانون کار و غیره رژیم کلیه صلاهی خود را بکار بسته است

لیکن این سیاستهای ضد کارگری در جهت ایجاد زمینهای مناسب برای سودآوری سرمایه در تولید به دو علت با شکست مواجه شده است. اول اینکه بورژوازی بطور کلی تمایل دارد طبقه کارگر را همچون ابزاری ارزش آفرین بنگرد و لاغیر از اینرو گرایش سرمایه در جهت فقر و مسکنت عمومی طبقه کارگر و کسب ارزش اضافی مطلق و نسبی عدل می کند. در عین حال مبارزه طبقاتی بنایه درجات قوت و ضعفش نه تنها عاطفی است در جهت عدم تحقق این گرایش در همه شرایط، بلکه خود نیز عاطفی است که بکارگیری تکنولوژی نوین را از سوی سرمایه داران جهت کسب ارزش اضافی نسبی (که پدیده نتر عمل می کند) الزام آور میسازد. اما بورژوازی عقب مانده ایران در حال و هوای مناسبات مانوفاکتوری تولید فارغ از دستاوردهای مبارزه طبقاتی بیرون تار و پود بورژوازی در بعد تاریخی - جهانی، به کسب ارزش اضافی مطلق و نسبی به شیوه های آشکارا خشن دل خوش کرده است و پشت بند آنرا هم با فتاوی علماء اعلام و اطلاع واجب شرعی، "حلال" و "حرام" و غیره پر کرده است. این خشونت زاید الوصف در استثمار، این وقاحت بی نظیر تاریخی و این فتاوی و قوانین که باید در جهت ایجاد مشوق های لازم برای سرمایه گذاری در امر تولید بکار آید، لیکن در عمل، بکسی خود میل شده است. خشم کارگران بر سستی که بر آنها وارد می آید خود را در اعتراضات، اعتصابات، کم کاریها و غیره نشان می دهد. آنچه که باید مشوق سرمایه گذاری می شد، با عطل کارگران برضد خود تبدیل گشته است. اکنون یکی از رایج ترین مبارزات کارگران در شرایط سرکوب و خفقان قرون وسطای رژیم، کم کاری مد اوبی است که در اکثر واحدهای تولیدی اعمال می شود. بر همین مبنا است که اقتصاد دانان باصطلاح

لمیرال در تبیین رکود تولیدی صرف نظر از مسائل دیگر از قبیل کمبود یا نبود مواد اولیه، کالا های واسطه ای و سرمایه های، کمبود ارز و ... که خود دال بر ماهیت بورژوازی حاکم است به مشکلات کارگری اشاره می کند.

دوم اینکه اشتباهی سیری ناپذیر بورژوازی حاکم، دولت و عطله زاکرمان که بمرض استعفا دچار شده اند در بلعیدن سریع هر آنچه که ممکن است از دست زین به هر طریقی و بکارگیری هر وسیله ای لهم از قانونی و غیر قانونی، لهم از شرعی و غیر شرعی دریغ نکرده و در یک پخود راه نمی دهند، فضائی را ایجاد کرده که به زبان دیپلماتی قضای نا امن سرمایه "ناصیه میشود. وجود همین فضا است که در گردش سرمایه اخلال ایجاد کرده و امر سرمایه گذاری در امر تولید را مختل می کند. وجود همین فضا است که امرها - بیستهار با وجود تمامی پشتیبانیها و حمایت های شان از رژیم جمهوری اسلامی ناگزیر می سازد که در مورد سرمایه گذاری در امر تولید مطلقاً "فکر کرده و سرمایه های خود را در "خطر" نااضی های حاصل از عطلکرد رژیم اسیر سازند و بالاخره وجود همین فضا بوده است که روینونیست های خائن وطنی را به آستانه یوسی سرمایه عقب مانده وامی داشت ( اکنون رژیم خود این حق را از آنها سلب کرده است ) و نیز قد در دل مدافعان جهانی تزه های روینونیستی برای "صحت گیری های سوسیالیستی" رژیم آبی کرد. و بر مبنای ترهات و رقابت - انحصاری برای تصاحب سهمی ( حتی اندکی فروتر از قبل ) از بازار ایران به مد اعی بیکی از ارتجاعی ترین رژیمهای تاریخ معاصر می پرداخت. اما بهر حال، نتیجه تمامی این کوششها و واکنشها تا اوم " نااضی " سرمایه بوده است که از خصالت ترکیب طبقاتی رژیم نشات می گیرد.

و اما ترجیح بند دوم، یعنی جمع آوری پولهای سرگردان، کاهش حجم پول در گردش، بمنظور تثبیت قیمت ها و مهار تورم در این مورد نیز ماهیت بورژوازی دولت حاکم بکوتاه است که وجود تورم بچاقه آب حیاض می باشد. بیپسوده نیست که بانکسی میگوید " میزان تورم فعلی کشور که چیزی نزدیک به ۲۰ درصد می باشد، میزان قابل قبول برای کشور است ( اطلاعات ۱۵ اردیبه ). البته ۲۰ درصد که شوخی است، اما قابل قبول برای کشور بسیار هم جدی است. کشور یعنی انواع و اقسام تجار و دلالان و محتسبین و ... ریزخواران شان و در مقابل کارگران و زحمتگان و کارمندان دین پایه هستند که با دستمزدها و حقوقهای ثابت و انواع و اقسام فشارهای اقتصادی باید باتورم برکت زاپاری "ستونهای سخر انقلاب اسلامی را تحمل کنند. و بار سیاستهای باصطلاح ضد تورمی دولت را در جهت کاهش حجم پول در گردش بجان بخرند. ماهیت بودجه سال ۶۳، حذف سوسسید و افزایش سرانه حق بیمه کارمندان دولت، افزایش مالیات ها و ... همه و همه در این جهت قرار دارد، و عطلکردن فشار بیشتر بر توده ها، افزایش تورم و افزایش سود سرمایه های غیر مولد و ... دامن زدن به

بحران اقتصادی است. جنگ و هزینه طرحهای دفاعی که برای از ما بهتران "برکت" است و برای توده ها سنگت بیش از ۱۲۶ میلیارد تومان، یعنی حدود ۴۰ درصد از کل بودجه دولت در سال ۶۳ را می بلعد. در حالیکه محصول اعتبارات مربوط به بهداشت و درمان، تأمین مسکن، عمران شهرها و عمران روستاها حدود ۸ درصد از بودجه را شامل می شود. چه کسانی از این ترکیب در هزینه های بودجه منتفع می شوند؟ جنگ بقای رژیم را تضمین کرده و در عین حال فضای انزوا در خود می پرورد. "غوغا و دعوا" برای سرمایه حاکم بهر شده است و افزایش شدید تورم ناشی از جنگ خود دالان رحمت ایزدی ( سود ) است و این سود سقیم و غیر مستقیم بر تنبست توده های افزایش تا برکت بهشتی جنگ را زنده نگه دارد. از طریق افزایش مالیاتها، افزایش سرانه حق بیمه کارمندان از طریق کسری بودجه که بوسیله اعتبارات بانکسی پوشیده میشود، تورم را است و مستقیم بر دوش اکثریت صرف کنندگان زحمتکش فشار می آید، از طریق حذف سوسسید، از طریق هزار دوز و کلک که پولهای سرگردان و ریزد زحمتگان جمع آوری شود.

دولت برای پوشاندن هزینه ها و کاهش حجم پول در گردش به افزایش مالیاتها پرداخت می ورزد. کارگران و کارمندان که مالیاتشان بطور خود کار از دستمزد و حقوق جمع آوری می شود و تجار و دلالان و ... نیز می دانند چگونه مالیات نبردازند و یا چگونه سبب مالیات را بر قیمت ها تاثیر بخشند. نتیجه افزایش تورم، کار بجائی رسیده است که برای جمع آوری پولهای سرگردان (۱)، کسبه خرد بها - ضد بین بورژوازی تجاری در انقلاب - هم به زیر صبحز کشیده شده اند. رئیس اتحادیه صناعات نفت صوزه گازسوز و الکترولیز در مورد سیستم مالیات بندی اصناف میگوید " اتحادیه موفق شده است واحدهای صنفی خرد بها را تحت فشار قرار دهد. به همین دلیل ماهیانه ۵۰ هزار ریال در رابطه برای آنان قابل شده است. در حالیکه بیش از ۵۰ هزار ریال به دولت مالیات، بیمه و عوارض شهرداری می بردازند و خواصا خواه اگر این روند ادامه پیدا کند اعضای این صنف ناگزیر نا برای امرار معاش به بازار سیاه روی آورند (کیهان و آبان). چنین است سیستم اقتصادی حاکم بر جمهوری اسلامی یاورشکستی یا ورود به عرصه های عریان انگلی و دلالی. افزایش مالیاتها پولهای سرگردان را جمع آوری نمی کند، بلکه گلولی زحمتگان را بیشتر می فشارد. و خود به دو صورت تورم را است و انباشت "پولهای سرگردان" را توضیح می کند. اول اینکه پولهای جمع آوری شده از مالیات در دستان دولت دلال صفت و ریزه - خواران فراوانش خود عاطفی تورمی است و دوز از طریق انتقال مالیات ها بر قیمت کالاها از طرف تجار و غیره.

سیاسی - جنبه و اعلام انشعابها و تفرقه‌های آنان از پیش و در مقابل آن از سوی دیگر، "انشعاب درونی" هرچه بیشتر شعرا در چارچوب برنامه شعرا آغاز می‌شود. برای کسی نه از ماهیت و عملکرد شعرا مطلع نیست، مقدمه طرح بی ربطی نماید و از خود سوال می‌کند خود مختاری چه ربطی به این مقدمه چینی‌ها و خرجه‌ها دارد؟ اما، در واقع، همانا همین باصطلاح خرجه‌ها هستند که روح طرح خود مختاری شعرا را برای آنان که باید بفهمند و نگران نشوند از قبیل سوسیال دموکراسی اروپا و بیوزاری ایران آشکاری کند و راه را بر هرگونه سوء تفاهمی در این باره صدمی نکند. برای پاک و منزه نشان دادن جنبه سرمایه اهرن تا خالصی مکه و یا هرگونه سوء برداشتی که بخلوص شعرا لطمه وارد آورد، طراحان طرح لازم می‌بینند که در ابتدا اخذ و خطوط متمایز خود را از نیروهای انقلابی روشن نموده و توضیح‌های لازم را بدهند. پس "شوراشکنان و فرصت طلبان" یعنی نیروهای سیاسی مدافع ضایع کارگران و -

## شورای ملی

مسامحت خاصی برخوردارند، بدینوسیله راحت تر به نیت حسنه شعرا (ا) پی می‌برند و همین مخاطبین اصلی شعرا هستند که مقدمه‌های آنچنانی که ظاهراً بی ربط از سالخود - مختاری عنوان شده است را توجیه پذیر و ضروری گردانید مانند:

اما چرا شعرا که اعتقادی بمسأله خود - مختاری ندارد (توجه شود که ما در اینجا اساساً از حق تعیین سرنوشت که از اصول اعتقادی و برنامه‌هایمان می‌باشد، سخنی هم بمیان نیابرد مایم، بلکه فقط بدانچه که شعرا بمخبران خود مختاری جای زند، پرداخته‌ایم) سوی بیوزاری هم خود را استیضایی است (ا) خود را ملزم به ارائه طرحی می‌بیند که ناگزیر دچار است و لا غیر.

برای حفاظت از موجودیت بیوزاری - رفرمیستش باید زمین و آسمان را بهم بدوزد و زیر هر شعرا تحت فشار مبارزات انقلابی خلق کرد و آنچه که بنام خود مختاری ممکن است - نیات نیروهای سیاسی انقلابی ناگزیر به ارائه طرح حسنه‌اش را خدشه دار سازد با خرجه‌هایی بنام خود مختاری برای گردستان که طرح خود مختاری، بگیرد و بی اثر سازد؟

بگذرید انگیزه و شان نزول طرح را از زبان خود طراحان بخونیم. نظر به مبارزات عادلانه مردم گردستان برای تامین دموکراسی در ایران و خود مختاری در گردستان بنظر رفع مضمض از ملت مستمزده کرد (شعرا) طرح حاضر را برای خود مختاری در گردستان اعلام می‌دارد. از نقطه نظر شعرا دولت در ایران وجود دارد. یکی فارس و دیگری

آن طبعی که با مبارزات قهرآمیز بیوزاری رابه اصطلاح به "مضمض" حاکم برخورد خنجره می‌گرداند، یعنی تحت فشار قرار می‌دهد و آنگاه بیوزاری بنظر "رفع مضم طری و جنگ ضد خلقی و برقراری صلح" تن به پذیرش نوعی خود مختاری می‌دهد، تا به هنگام فراغت، زمانی که "مبارزات عادلانه" تضعیف گشت و یا در هم شکسته شد، به بازپس‌گیری هر آنچه که تحت فشار جنبش پذیرفته است، بپردازد.

این دیگر اعتقاد بحقوق خلقها نیست، بلکه عقب نشینی تحت فشار جنبش‌های توده‌های - طی است.

نونه‌های تاریخی متهددی از عقب - نشینی‌های اجباری مرتجعترین دول حاکم بر ایران در برابر مبارزات انقلابی خلقها وجود دارد (نمونه - آذربایجان و گردستان در دهه سالهای ۱۳۴۰). حتی لازم نیست به تاریخ کم و بیش دور خود مراجعه شود، دولت وقت بازگان که او نیز خواهان استقرار جمهوری دموکراتیک اسلامی بود، زمانی که از سرکوب نظامی خلق گرد مایوس شد، تحت فشار مبارزات خلق گرد تن به مذاکره داد و بیوزاری خود مختاری تحت عنوان خود گردانی - که

از نقطه نظر ماهیتی در همین چارچوب طرح خود مختاری شورای ملی مقاومت می‌گنجد - رضاضند بود. نتر پیکر بشویم. همین روشیس جمهور قانونی (ا) جمهوری اسلامی و ایضا جمهوری دموکراتیک اسلامی. که زمانسی بازگان چاقوش را تیزی کرد و حالا مجاهدین، باید طرح خود مختاری شعرا را بیاد کند (چه شوخی مستحجنی). شخص شاخصی که وقتی هنوز امکان بیوزاری صریح نظامی در گردستان را می‌دید فرمان می‌داد که "تا سرکوب کامل آنان (یعنی خلق گرد) نباید پوتین‌های مبارزان از پاهایشان بیرون نیاید و حال طرح باصطلاح خود مختاری به اتفاق آراء و از جمله رای رئیس جمهور قانونی بهامضا می‌رسد. آری، چنین است راه و رسم بیوزاری در برسمیت شناختن حقوق خلقها.

پس بی دلیل نیست که از نقطه نظر شعرا گوئی فقط خلق گرد در میان خلقهای ایران حتم مضامف (البته بکارگیری ستم مضامف از سوی بیوزاری هم خود را استیضایی است (ا) با چنین درکی از حقوق خلقها است که

شعرا نسبت به حقوق خلقها ضامن است. اما شورای ملی مقاومت را چه باک، وی بجز نیز جای دیگر دارد و به همین دلیل نیز بیوزاری آن مقدمه چینی‌های گدائی، برایکس، این طرح در چارچوب شورای ملی مقاومت و دولت وقت

جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران... لازم الاجراست تأیید مکرر دارد. به عبارت دیگر شعرا بطور ضمنی خاطر نشان می‌سازد (برای آنان که چشمی برای دیدن و کوشی برای شنیدن دارند) که بیوزاری هیچ واژه‌های از بکار بردن اصطلاح خود مختاری و ارائه طرحی در این باره نباید بدل راه دهد،

مضمون طرح مضمون برنامه شورای ملی مقاومت است و آنهم که کسی را نمی‌خواند. والحق که در طراحی این مهم نیز استفاده می‌به خرج دارماند! طرحی این چنین خفیه که شانه به شانه طرح خود گردانی دولت وقت بازگان بساید، فقط از شورای ملی مقاومت برمی آید و پس.

طرح خود مختاری "شعرا" شامل ۲ ماده است که بیشترین آنها برای خالی نبودن عریض و تطویل کلام که یعنی حرفی برای گفتن است نگاشته شده است. مواد ۱ از طرح همسان حقوق‌های است که در برنامه شورای ملی مقاومت صتر است و ربطی به ساله خود - مختاری ندارد و این امر چنان واضح است که جایبجا در مواردی از اینگونه، طراحان بخود متذکر شد مانند که "مردم منطقه خود مختار گردستان مثل سایر هموطنان خود... نیروهای انتظامی گردستان مثل دیگر نقاط ایران... و یا گرد گردستان خود -

طرح خود مختاری "شعرا" شامل ۲ ماده است که بیشترین آنها برای خالی نبودن عریض و تطویل کلام که یعنی حرفی برای گفتن است نگاشته شده است. مواد ۱ از طرح همسان حقوق‌های است که در برنامه شورای ملی مقاومت صتر است و ربطی به ساله خود - مختاری ندارد و این امر چنان واضح است که جایبجا در مواردی از اینگونه، طراحان بخود متذکر شد مانند که "مردم منطقه خود مختار گردستان مثل سایر هموطنان خود... نیروهای انتظامی گردستان مثل دیگر نقاط ایران... و یا گرد گردستان خود -

طرح خود مختاری "شعرا" شامل ۲ ماده است که بیشترین آنها برای خالی نبودن عریض و تطویل کلام که یعنی حرفی برای گفتن است نگاشته شده است. مواد ۱ از طرح همسان حقوق‌های است که در برنامه شورای ملی مقاومت صتر است و ربطی به ساله خود - مختاری ندارد و این امر چنان واضح است که جایبجا در مواردی از اینگونه، طراحان بخود متذکر شد مانند که "مردم منطقه خود مختار گردستان مثل سایر هموطنان خود... نیروهای انتظامی گردستان مثل دیگر نقاط ایران... و یا گرد گردستان خود -

طرح خود مختاری "شعرا" شامل ۲ ماده است که بیشترین آنها برای خالی نبودن عریض و تطویل کلام که یعنی حرفی برای گفتن است نگاشته شده است. مواد ۱ از طرح همسان حقوق‌های است که در برنامه شورای ملی مقاومت صتر است و ربطی به ساله خود - مختاری ندارد و این امر چنان واضح است که جایبجا در مواردی از اینگونه، طراحان بخود متذکر شد مانند که "مردم منطقه خود مختار گردستان مثل سایر هموطنان خود... نیروهای انتظامی گردستان مثل دیگر نقاط ایران... و یا گرد گردستان خود -

تکسان که صفت از ضایع سرمایه مبارزات انقلابی خود ادامه داده و بهیچصورت سرمایه را نیز برنمی‌تابند. به باد ناسزا گرفته می‌شوند و بعد شعرا اطمینان می‌دهد که نگران این نیروها نباشید (مخاطب معلوم است) در حالی که حاضریم "صحنه می‌شویم، این نیروها در حال تجزیه و انشعابند. و توضیح بعدی: انشعاب درونی شعرا پیوسته در چارچوب برنامه شعرا افزایش می‌یابد. و اکنون نیز شورای ملی مقاومت قادر شده است بین دموکراسی باید از خود مختاری (البته در چارچوب برنامه شعرا) پیوسته پدید آورد. اما برنامه بیوزاری - رفرمیستی شعرا که جای هیچگونه شک و شبیه و نگرانی باقی نمی‌گذارد، معنای دموکراسی باید از هم که در برنامه دولت وقت شعرا به تفصیل تشریح شده و از نقطه نظر سرمایه بین‌المللی و داخلی مورد حمایت قرار گرفته است حال شعرا به ارائه آنچنان طرح خود مختاری مبارز و وزیده که بتواند در پیوند بان

رت وزیده که بتواند در پیوند با آن "دموکراسی پایدار" گدائی و در چارچوب آن برنامه بیوزاری - رفرمیستی همچنان، قرار داشته باشد. و جز این هم از "شعرا" انتظاری نمی‌توانست وجود داشته باشد.

در حقیقت مقدمه طرح خود مختاری فقط برای آن کسانی بی ربط می‌نماید که به ماهیت و شیوه عملکرد شعرا بی‌نورده و از "پیلما سو صوبایه" که "شعرا" بانیه بران به کسب قدرت سیاسی می‌اندیشند ناآگاه باشند. مقدمه طرح خود مختاری از این لحاظ برای توده‌ها و خلق قهرمان گرد نامفهوم و نامانوس است که آنان مخاطب "شعرا" نیستند. اگر برای توده‌ها این "الفاظ" خرجه‌ها بی‌بیتی نیست، لیکن مخاطبین اصلی طرح معنای انفرادی می‌شوند. بیوزاری سوسیال دموکراسی و هم چنین دولتهای عراق و ترکیه که با مسائل ضایع دست به می‌ریزند و در این مورد از

## حقوق ملل در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست

مختار همانند دیگر نقاط ایران... جنین و چنان می شود. کمیسیون خود مختاری شورای ملی مقاومت پس از ۸ ماه صارت و کار پیکر (در کجا؟) موادی از برنامه بورژوازی شورا را عیناً بمنوان موادی از طرح خود مختاری بخلق کرد عرضه داشته است. چه کراخی! چه موادی دیگر از طرح نیز آنچنان پیش یا افتاده و بی اهمیت است که رژیم جمهوری اسلامی ایران خود عهد مدار به آنجا رساندنش شده است. از قبیل طرحهای عدم تمرکز که به استانیها اختیارات محلی در امور اقتصادی و... داده می شود، تخصیص بودجه های عمرانی برای هراتان، و بیاتامین بودجه جهت توسعه مناطق عقب افتاده از درآمد عمومی و نظایر اینها. در این باره تنها می توان گفت از کرامات شیخ ما چه صحبت اما بالاخره تکلیف ادعای استقرار حکومت

### شورای ملی...

خود مختاری شورا را نسبت به خلق کرد بیشتر نمایان می کند: برآنیم که تامین و تعیین حکومت مردم بر مردم اساساً هیچ شکل مطلق جز بسط شوراهای مختلف در همه زمینها ندارد. به این منظور دولت موقت طرز کار شورایی را در دو سطح عملی خواهد نمود. اول - شوراهای تصمیم گیرنده در زمینهای مانند اداره امور شهر که هیچ نیازی به اعمال مرکزیت و سانسور از خارج شورا ندارد. دوم - شوراهای شورشی با اختیارات کمتر که یا صرفاً نقش شورشی داشته و یا فقط حق توکل یا فی السلح حق لغو انتصابات مدیران یا فرماندهان را دارند. ما قلاً ماهیت بورژوا - رفرمستی و سپس از ضمن تودهای انقلابی این قبیل شوراهای را آشکار کردیم و در اینجا نیازی به تکرار آن نمی یابیم. بلکه غرض نشان دادن تراتب شورای عالی کردستان با شوراهای مندرج در برنامه دولت موقت است که ریگارانته آنها بخانه ارگان حاکمیت خلقی کردستان گردانند.

در واقع، طرح شورای عالی کردستان تلفیقی است از دو نوع شورای مندرج در برنامه دولت موقت. تا آنجا که امر جزئی مربوط به شهر و منطقه وجود دارد که هیچ نیازی به اعمال مرکزیت از خارج شورا ندارد. شورای عالی کردستان همانند شوراهای نوع اول در سایر نقاط ایران تصمیم گیرنده است (انجمن های شهر؟) اما زمانی که سائل اساسی مطرح می شود تصیلت شورای عالی کردستان باید در چارچوب قوانین جمهوری بوده و توافق قوانین عمومی جمهوری نباشد. یعنی نقش آن عملاً شورشی خواهد بود و در جرگه شوراهای نوع دوم قرار می گیرد. چه حاکمیت بجلال و جبروتی!

و بعد چند ماده در حول و حوش این ماده از حاکمیت خلق کرد و بعضاً برای محکم کاری های آتی، از جمله: حفظ انتظامات داخلی منطقه خود مختار بمسئله ارگانهای خود مختاری است نیروی متناسب با آنها مراعات ماده ۲ طرح حاضر سازمان می دهد. ماده ۲ همانی است که ذکر شد یعنی نیروهای انتظامی بر اساس قوانین جمهوری و مصوبات شورای عالی کردستان که تاقص قوانین عمومی جمهوری نباشد، تشکیل می یابند. بهر طرز سرکوب تودها را در منطقه بنا به مصالح عام خود که در قوانین جمهوری ضمیم می شود، بدست ارگانهای سرکوبگر محلی تا آنجا که

مبتنی بر اراده و حاکمیت مردم در ایران و مشارکت همه مردم در اخذ و اجرای تصمیمات و پیوند بین دیکراسی پایدار و خود مختاری چه می شود؟ شورا قلاً تکلیف حاکمیت مردم و دخالت و مشارکت آنانرا در اخذ تصمیم و غیره در برنامه دولت موقت روشن کرده بود. در برنامه، حاکمیت مردمی که باید از طریق ارگانهای اقتدارشان (شوراهای) در اخذ و اجرای تصمیمات دخالت و مشارکت مستقیم داشته باشند بمصالح فرعی و کلکننده در راه استقرار حاکمیت بورژوازی درین شورای طبعی مقاومت تبدیل شده و شوراهای بفرجه ارگانهای شورشی تنزل یافته اند. یعنی که شورایی شورا در حال طرح خود مختاری باید در این زمینه آنچنان تنظیم می شد که در چارچوب برنامه شورای ملی مقاومت حاکمیت، تا قافیه "شورا بی شورا" با خود مختاری بی خود مختاری جور نشود.

در حقیقت هر آنچه که در این مورد نگاشته شده یا ضمن برنامه شورا که سلب حاکمیت تود بها است منطبق است. به طرح رجوع کنیم: " ارگان قانون گذاری در منطقه خود مختار، شورای عالی کردستان است که نمایندگان آن از طریق انتخابات آزاد جنتی بر رای آزاد و صفتی... انتخاب می شوند. بنابراین جمهوری در منطقه خود مختار لازم الاجرا است. مصوبات شورای عالی کردستان نباید ناقص قوانین عمومی جمهوری باشند." با اصطلاح شورای عالی کردستان که با توجه به نحوه تشیل و وظایفش در طرح چیزی شبیه به پارلمان می ماند و نه شورا ( همانند مجلس شورا اسلامی که پارلمان است و نه شورا)، ارگان حاکمیت خلقی کرد در نظر گرفته شده است. اما این ارگان با اصطلاح حاکمیت که اسم بی معنایی را با خود یدک می کشد، چیزی نیست جز همان شوراهای مردمی مستقر در برنامه دولت موقت که در اینجا فریبکارانه مضاطهان کرد ماند. نقل هر چند کمی طولانی این بخش از برنامه دولت موقت انقلابی یگانگی این دورا بیشتر آشکار می سازد و خائنانه بودن طرح

از قوانین عام تخطی نکنند می سبارد. زحمت خود را کم می کند تا سود خود را بیفزاید. ایضا: امور مربوط به صیانت خارجی و حراست از مرزها و حفظ امنیت جمهوری و تمامیت ارضی و دفاع ملی بمسئله دولت مرکز است. الفاظ گند آری همچون حفظ امنیت جمهوری و تمامیت ارضی که دست جلادان خلق کرد را در همه شرایط باز می گذارد. پیرویه نیست که بنی صدن نیز پای چنین طرحی اضا خود را می گذارد. حفظ امنیت جمهوری و تمامیت ارضی گارت نیز بورژوازی در سرکوب خلق کرد است، ضمن دیکراسی است که شورای عالی کردستان را بمطاعت فرامی خواند. همواره در تاریخ تحلیوای همین حفظ امنیت و تمامیت ارضی بوده است که خلقها در خون خود غرق شده ماند. مگر رژیم جمهوری اسلامی تحت لوای "حفظ امنیت جمهوری و تمامیت ارضی" خلق توکمن و کرد و... را به خاک و خون نکشیده است؟ چنین الفاظ گندار و قابل تفسیری، اما ناگاهانه در طرح شورا گنجائیده شده است و برای باز هم مصر کاری بیشتر اضافه کرد ماند که ارگان های خود مختاری موظفند از بداخله در امور و وظایف دولت مرکزی خود آری کرده و دولت مرکزی را در اجرای وظایف خویش از جمله حفظ امنیت جمهوری و تمامیت ارضی یاری کنند. چنین است ماهیت طرح خود مختاری شورای ملی موقت.

" خود مختاری بی خود مختاری "



### نگرشی بر توزیع...

در این اطلاعیه که از سوی اتحادیه سوری مارکها بوده تنها حرکت کمیته امور صفتی مجله بر اعلام انحلال سوری مارکها را غیر قانونی اعلام کرد و خارج از چارچوب وظایف کمیته امور صفتی دانست بلکه این کمیته را تهدید بمسئله قانونی نمود و سوری مارکهای بسته شده نیز محسوسه شد و گسختن بین کمیته امور صفتی و اتحادیه سوری مارکها همچنان ادامه دارد و این تضاد نیز از به شمار تناقضاتی است که بیکره فرتوت و رویمزوال جمهوری اسلامی ر هرچه بیشتر می فرساید.

# خلق قهرمان ترکمن

اخیراً برخی از مسئولان و دست اندر صورت گرفته است، یعنی سرکوب توده ها و سرانجام رژیم شوراهای فرمایشی را کاران رژیم جمهوری اسلامی تحت فشار جنبش حمایت همجانبه از سرمایه داران و زمین داران به دهقانان تحویل کرد. اکنون حتی این توده های، باین نتیجه رسیده اند که بسیاری بزرگ، هر چند که این سیاست، متناسب با شوراهای فرمایشی نیز منحل اعلام شده است تا دوام استثمار توده ها و غارت هر چه بیشتر و پتانسیل انقلابی توده ها و میزان مقاومت و وحال باید منتظر حضور زمین داران بزرگ در دستریج آنان، تنها سیاست سلاقی و سرکوب مبارزه آنان اشکال متفاوتی بخود گرفته است. منطقه شد. چرا که زمینها پلاکتیف اعلام کفایت نمی کند و باید در کنار آن به اعطای یکی از ضابطی که رژیم به بندی و تدریجاً موفق شده و کار رژیم بد آنجا رسیده که شوراهای چرتی امتیازاتی و یا باصطلاح معروف سیاست به از بین بردن تشکل توده ها شد ترکمن فرمایشی خود را نیز نمی تواند تحمل کند. ثبات هدی نیز تومل جیت.

نکاهی به ناه اخیر مسئولین مازندران از عوامل عینی و ذهنی توده های از انقلاب شده نیز ساله زمین است؛ اما اگر حتی ساله استانداری گرفته تا مایران کت و رئیس سرعت به صادره انقلابی زمینهای زمین داران، زمین نیز حل شود تا سیستم کنونی، با بر جاست در اکثری و... خطاب به شورای عالی بزرگ اقدام کردند و بتشکل شوراهای حاصل دستریج زحمتکشان به محبت شتی چپا و لگر قضائی و دیگر سرمداران رژیم که در تاریخ دهقانی جهت حفظ و تداوم دستاوردهای سران بر می شود. لذا خلقی ترکمن به تنبها خود محبت گماشتند و با تشکل اتحاد شوراهای خواستار زمین و امکانات کت است بلکه هم صحت این ادعا را نشان می دهد. در کیهان بچاپ رسیده است خلق ترکمن که ارگان اراده خلقی ترکمن بود به چنین خواستار تشکل تشکل های انقلابی خود در این نامه آمده است: «... باتوقف کت و برداشت محصول در اولین سال پس از و کت و برداشت تحت کتیر آنهاست. در طی شورای کت، مشکلات و معضلاتی طموس انقلاب دست زدند. در این میان اندسته از این میان حضور بی وقته مزدوران و سرکوبگران در منطقه مازندران بخصوص در کتد کمترین زمین داران بزرگ که بکمال حال رژیم به مقاومت رژیم نیز که نقش ژاندارمهای شاه را ایفا زمین پلاکتیف را دارا می باشد بوجود آمده ... صلحانه تومل شدند با قهر انقلابی دهقانان کتد قایر نخواهد بود دهقانان زحمتکش زمینهای صادره شده در کتد حسب حکم حجت الاسلام خلخالی مربوط به فئودال های منطقه که در اختیار شورای کت بوده است؛ هم اکنون پلاکتیف است. و در ادامه نامه نوشته شده: «بانگش بموضعیت ویژه منطقه و وقوف بمبار سیاسی پدیده بخصوص در منطقه ترکمن صحرا که حضور گروههای چاروب و گروهک مزدور باصطلاح خلقی ترکمن را تدارک دیده حوادثی خونبار را موجب خواهد شد.»

( کیهان ۶۲/۹/۲۹ تاکید ازماست )  
و اما سرانجام در انتهای نامه این حملات بچشم میخورد: «۳ اراضی مزبور می مناطق مرکزی و غرب مازندران بسوقت تبدیل به باغات شده و اراضی شرق مازندران به کت محصولات بر اساسی و سود آور تبدیل گردیده که در نتیجه میزان کت محصولات مهم از قبیل پنبه، کتد، جو و برنج به میزان قابل توجهی کاهش و تقلیل حاصل کرده است. همانجا کت انتهای نامه بخشی از هدف نامه را بیان می کند. باینصورت که مزدوران رژیم علناً اعلام میدارند که محصول منطقه بشدت کاهش یافته و غارتگریهای شتی استثمارگر متوقف شده است چرا؟ چون شورای فرمایشی کت که بهر حال عامل فریبی بود نیز قایل تحمل رژیم نیست و متوقف گشته است. اگر جناب خلخالی جلاد پس از آن که سرکوبهای وحشیانه و جنایتهای فاشیستی به ساله صادره زمینهای که توسط دهقانان ترکمن صحرا صورت گرفته بود در آن مقطع ندادند بود امری مرقی بود و اکنون روند طبیعی آن حرکت است که بوقوع می پیوندد. یعنی مقدمهای برای باز بدادن زمینهای زمین داران بزرگ و باز کت کامل به شرایط قبل از انقلاب. این امر نیز سیاست تازمای نبوده و ادامه همان سیاستی است که از همان فردای قیام از سوی رژیم جمهوری اسلامی اعمال شده است و همه این اعمال نیز بنابر موضع طبقاتی رژیم

صورت گرفته است، یعنی سرکوب توده ها و سرانجام رژیم شوراهای فرمایشی را کاران رژیم جمهوری اسلامی تحت فشار جنبش حمایت همجانبه از سرمایه داران و زمین داران به دهقانان تحویل کرد. اکنون حتی این توده های، باین نتیجه رسیده اند که بسیاری بزرگ، هر چند که این سیاست، متناسب با شوراهای فرمایشی نیز منحل اعلام شده است تا دوام استثمار توده ها و غارت هر چه بیشتر و پتانسیل انقلابی توده ها و میزان مقاومت و وحال باید منتظر حضور زمین داران بزرگ در دستریج آنان، تنها سیاست سلاقی و سرکوب مبارزه آنان اشکال متفاوتی بخود گرفته است. منطقه شد. چرا که زمینها پلاکتیف اعلام کفایت نمی کند و باید در کنار آن به اعطای یکی از ضابطی که رژیم به بندی و تدریجاً موفق شده و کار رژیم بد آنجا رسیده که شوراهای چرتی امتیازاتی و یا باصطلاح معروف سیاست به از بین بردن تشکل توده ها شد ترکمن فرمایشی خود را نیز نمی تواند تحمل کند. ثبات هدی نیز تومل جیت.

نکاهی به ناه اخیر مسئولین مازندران از عوامل عینی و ذهنی توده های از انقلاب شده نیز ساله زمین است؛ اما اگر حتی ساله استانداری گرفته تا مایران کت و رئیس سرعت به صادره انقلابی زمینهای زمین داران، زمین نیز حل شود تا سیستم کنونی، با بر جاست در اکثری و... خطاب به شورای عالی بزرگ اقدام کردند و بتشکل شوراهای حاصل دستریج زحمتکشان به محبت شتی چپا و لگر قضائی و دیگر سرمداران رژیم که در تاریخ دهقانی جهت حفظ و تداوم دستاوردهای سران بر می شود. لذا خلقی ترکمن به تنبها خود محبت گماشتند و با تشکل اتحاد شوراهای خواستار زمین و امکانات کت است بلکه هم صحت این ادعا را نشان می دهد. در کیهان بچاپ رسیده است خلق ترکمن که ارگان اراده خلقی ترکمن بود به چنین خواستار تشکل تشکل های انقلابی خود در این نامه آمده است: «... باتوقف کت و برداشت محصول در اولین سال پس از و کت و برداشت تحت کتیر آنهاست. در طی شورای کت، مشکلات و معضلاتی طموس انقلاب دست زدند. در این میان اندسته از این میان حضور بی وقته مزدوران و سرکوبگران در منطقه مازندران بخصوص در کتد کمترین زمین داران بزرگ که بکمال حال رژیم به مقاومت رژیم نیز که نقش ژاندارمهای شاه را ایفا زمین پلاکتیف را دارا می باشد بوجود آمده ... صلحانه تومل شدند با قهر انقلابی دهقانان کتد قایر نخواهد بود دهقانان زحمتکش زمینهای صادره شده در کتد حسب حکم حجت الاسلام خلخالی مربوط به فئودال های منطقه که در اختیار شورای کت بوده است؛ هم اکنون پلاکتیف است. و در ادامه نامه نوشته شده: «بانگش بموضعیت ویژه منطقه و وقوف بمبار سیاسی پدیده بخصوص در منطقه ترکمن صحرا که حضور گروههای چاروب و گروهک مزدور باصطلاح خلقی ترکمن را تدارک دیده حوادثی خونبار را موجب خواهد شد.»

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که بنابر ماهیت طبقاتی اش نمی توانست چنین وضعیتی را تحمل کند و از سوتی وحشت دانست که اینگونه ارگانهای اعمال اراده توده های گسترش یابد و منافع زمین داران را بر دیگر نقاط ایران به خطر افکند، در قدارک سرکوب و حشیانهای نشت و طی دو جنگ خونین در اردیبهشت و بهمن ۴۰ سرانجام موفق به سرکوب کت این زحمتکشان شد و در این رابطه بدین جنایتها آفرید و فرزندان انقلابی خلقی دلاوری ترکمن را بخالکوخون کشید. جانهای همچون خلخالی، بنی صدر، رفین دوست و فرضی بیشترین نقش را ایفا کردند. از بنی صدر که بکدریم و بدلیل تضاد هایش با رژیم از صحنه خارج شد، بقیه این جنایتکاران به پاس جنایاتشان پستیهای حسان و مقامات بالائی کت کردند.

اما علیرغم این سرکوبها رژیم قادر نکت ارگانهای توده های یعنی شوراهای دهقانان را بلافاصله درهم شکند. چرا که توده های یسال تجربه عطفی، به نقش و اهمیت چنین تشکلهائی بی برده بودند. هراس رژیم از وجود این ارگانهای توده های موجب کت کشی و سرکوب بنیاد رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را رژیم بصورت گام به گام پیش رود لذا رژیم ابتدا در هم خواهند شکست و با برقراری حاکمیت اعلام کرد که شوراهای فوق باید نام شوراهای خویس یعنی حاکمیت کارگران و دهقانان، اسلامی برخورد نهند و بتدریج شرها را از صحتا نهی کرد. نمایندگان واقعی دهقانان را برکنار و یا دستگیر کرد و عمال خود را بجای آنها برکنار کرد. در این روند مقاومتی حماسه آفرینی از سوی دهقانان صورت گرفت و ضجر به درگیریهای بین دهقانان و مزدوران رژیم

اما سرانجام رژیم شوراهای فرمایشی را کاران رژیم جمهوری اسلامی تحت فشار جنبش حمایت همجانبه از سرمایه داران و زمین داران به دهقانان تحویل کرد. اکنون حتی این توده های، باین نتیجه رسیده اند که بسیاری بزرگ، هر چند که این سیاست، متناسب با شوراهای فرمایشی نیز منحل اعلام شده است تا دوام استثمار توده ها و غارت هر چه بیشتر و پتانسیل انقلابی توده ها و میزان مقاومت و وحال باید منتظر حضور زمین داران بزرگ در دستریج آنان، تنها سیاست سلاقی و سرکوب مبارزه آنان اشکال متفاوتی بخود گرفته است. منطقه شد. چرا که زمینها پلاکتیف اعلام کفایت نمی کند و باید در کنار آن به اعطای یکی از ضابطی که رژیم به بندی و تدریجاً موفق شده و کار رژیم بد آنجا رسیده که شوراهای چرتی امتیازاتی و یا باصطلاح معروف سیاست به از بین بردن تشکل توده ها شد ترکمن فرمایشی خود را نیز نمی تواند تحمل کند. ثبات هدی نیز تومل جیت.

نکاهی به ناه اخیر مسئولین مازندران از عوامل عینی و ذهنی توده های از انقلاب شده نیز ساله زمین است؛ اما اگر حتی ساله استانداری گرفته تا مایران کت و رئیس سرعت به صادره انقلابی زمینهای زمین داران، زمین نیز حل شود تا سیستم کنونی، با بر جاست در اکثری و... خطاب به شورای عالی بزرگ اقدام کردند و بتشکل شوراهای حاصل دستریج زحمتکشان به محبت شتی چپا و لگر قضائی و دیگر سرمداران رژیم که در تاریخ دهقانی جهت حفظ و تداوم دستاوردهای سران بر می شود. لذا خلقی ترکمن به تنبها خود محبت گماشتند و با تشکل اتحاد شوراهای خواستار زمین و امکانات کت است بلکه هم صحت این ادعا را نشان می دهد. در کیهان بچاپ رسیده است خلق ترکمن که ارگان اراده خلقی ترکمن بود به چنین خواستار تشکل تشکل های انقلابی خود در این نامه آمده است: «... باتوقف کت و برداشت محصول در اولین سال پس از و کت و برداشت تحت کتیر آنهاست. در طی شورای کت، مشکلات و معضلاتی طموس انقلاب دست زدند. در این میان اندسته از این میان حضور بی وقته مزدوران و سرکوبگران در منطقه مازندران بخصوص در کتد کمترین زمین داران بزرگ که بکمال حال رژیم به مقاومت رژیم نیز که نقش ژاندارمهای شاه را ایفا زمین پلاکتیف را دارا می باشد بوجود آمده ... صلحانه تومل شدند با قهر انقلابی دهقانان کتد قایر نخواهد بود دهقانان زحمتکش زمینهای صادره شده در کتد حسب حکم حجت الاسلام خلخالی مربوط به فئودال های منطقه که در اختیار شورای کت بوده است؛ هم اکنون پلاکتیف است. و در ادامه نامه نوشته شده: «بانگش بموضعیت ویژه منطقه و وقوف بمبار سیاسی پدیده بخصوص در منطقه ترکمن صحرا که حضور گروههای چاروب و گروهک مزدور باصطلاح خلقی ترکمن را تدارک دیده حوادثی خونبار را موجب خواهد شد.»

نگوشی بر...

نمایندهگان صنفهای گوناگون می باشند و در کنار هر یک از اتحادیههای صنفی یک شرکت باصلاح تماوانی توزیع قرار دارد که این شرکت کالا های مورد نیاز صنف را با از دولت خریداری کرده و یا توسط تجار وارد کننده کالا تهیه می کند و تحت کنترل اتحادیه صنف مربوطه بتوزیع آن به مغازه داران اقدام می نماید. در مجموع می توان این شکل از توزیع را شکل سنتی آن در نظر گرفت. بخش دیگری از توزیع ما محتاج عمومی نیز توسط سوپر مارکتها صورت میگیرد و سوپر مارکتها نیز خود اتحادیه خاص خود را داشته و شرکت تعاونی خاص خود را دارند. این شکل از توزیع نیز که در صدها ناچیزی را تشکیل میدهد در کنار شکل سنتی آن بصیحات خود ادامه میدهد. در رژیم گذشته شکل توزیع توسط سوپر مارکتها همچنین فروشگاههای زنجیره ای معروف که نقش مهمی در توزیع را بر عهده بگیرد، انگیزه مبارزاتی سرمایه عقب مانده تجاری با رژیم شاه نیز از همین زاویه بود که با کسوفی اشکال جدید توزیع روند رو بهزوالی را می بیند. اتحادیههای اصناف مختلف در کشته امور صنفی تشکل شده اند و سیاست حاکم بر این کشته منطبق با منافع بورژوازی تجاری میباشد. کشته امور صنفی یک نماینده در ارگانی بنام هیات عالی نظارت دارد که هم اکنون فردی بنام نولادی می باشد که از مدافعین سرسخت تجار بازار است. هیات عالی نظارت تشکل از وزیر بازرگانی و تعدادی از وزرا یا معاونین آنها میباشد. وظیفه کشته امور صنفی صدور حوز کسب و دریافت مجوز آب و برق و نظارت بر فعالیت های اصناف در چهارچوب مقررات و قوانین حاکم بر اتحادیهها می باشد و حال آنکه شرکت تعاونی هر صنف وظیفه خرید و توزیع کالا و قیمت گذاری و ... را بر عهده دارد. بحال در ادگاههای ویژه امور صنفی به تخلفات اصناف گوناگون رسیدگی می کند و

البته این تخلفات و مجازاتهای ناشی از آن عمدتاً خرد و فروشان را در بر می گیرد. رئیس و حاکم شرع در ادگاه ویژه امور صنفی تهران فردی بنام عزیزان می باشد. عزیزان از نزدیکان صوبی نخست وزیر است. از اینرو نگاه جهت تضعیف جناح رقیب و یا از صحنه بدر کردن آنها دست به صدور احکامی البته بسیار رقیق و افسانگه پسناسی می زند از جمله در جریان عزل عسکراولادی، عزیزان کسی صاحبمهاقی چند مورد از نزدیکان کلان معاونین عسکراولادی را بر زبان آورد که البته اگر عسکراولادی براحتی حاضر به ترک پست خود بود این اقدام نیز صورت نمی گرفت. و اما در کنار دو شکل خصوصی توزیع یعنی صنفی و سوپر مارکتها (سوپر مارکتها نیز نماینده های از اتحادیه خود در کشته امور صنفی دارند) توزیع مستقیم دولتی قرار دارد. ارگان توزیع کننده دولتی شرکت های تعاونی مصرف شهر و روستا هستند که عمدتاً کالا های صرفی و ما محتاج عمومی را ارائه می دهند. این ارگانها از رژیم گذشته تشکل یافته و به رژیم کنونی بهار ت رسید مانده. همچنین فروشگاههای زنجیره ای سپه و قدس (گوش سابق) نیز که دولتی هستند بخش ناچیزی از توزیع را در دست دارند. از یکسال پیش اختلافاتی فی مابین کشته امور صنفی و تعدادی از اتحادیهها از جمله اتحادیه مکت فروشها، اتحادیه گل فروشها، اتحادیه طلا فروشها، اتحادیه نایبگانه های ماشین و بالاخره اتحادیه سوپر مارکتها بوجود آمده است که این اختلافات در رابطه با اتحادیه سوپر مارکتها شکل بسیار جدی خود گرفته است. کشته امور صنفی معتقد است که این چند اتحادیه ضرورت وجودی ندارند و باید تحلیل شوند و بطور مشخص در رابطه با سوپر مارکتها مطرح کرده است که سوپر مارکتها شبکیز طاقونی توزیع هستند و باید تجزیه شوند و یک صنف را بر گیرند و اگر چند شرکت هستند هر یک از شرکا پروانه یک صنف را گرفته و یکار ادامه دهند و ساختمان سوپر را نیز طعمه

تلمه کند و به چند مغازه تبدیل نمایند. اما اگر به صق صاله برویم کشته امور صنفی از این وحشت دارد که بتدریج سوپر مارکتها مغازه های کوچک را ببلعد و به نابودی کشند. ناگفته نماند که در پایان ترمین وسطی و آغاز شکوفایی بورژوازی در اروپا نیز چنین صائلی بروز کرده بود. و اما به دنبال بروز اختلاف فوق کشته امور صنفی بتاريخ ۱۰ / ۸ / ۶۲ اطلاعیه ای منتشر کرد که در برخی روزنامهها از جمله جمهوری اسلامی و اطلاعات و کیهان چاپ رسید و در این اطلاعیه اتحادیه انحلال می شود. مارکتها را اعلام کرد. به دنبال آن رسال ارسال این اطلاعیه به سوپر مارکتها از انسان خواست تا برای تعیین صنف خود به کشته امور صنفی مراجعه کنند. همزمان با صدور این اطلاعیه، دستور العطفی بسازمان تعاون وابسته به وزارت بازرگانی داد که صن اصلا انحلال سوپر مارکتها از انان خواست تا از تحویل کالا به اتحادیه سوپر مارکتها در این نمانند و همچنین با چنین ابلاغیه ها نیز از وزارت کشاورزی بخش مربوط به طرح خرید دام داخلی از انان نیز خواست تا از تحویل صمبه گوشت به سوپر مارکتها خود در نمانند. همچنین کشته امور صنفی با مراجعه به اداره اماکن عمومی وزارت کشور و عامل اجرایی آن کلاترسیها خواستار تعطیل سو مارکتها شد و چند سوپر مارکت نیز در این رابطه صمها بسته شد. بدنبال این اقدامات، اتحادیه سوپر مارکتها اقدام به انتشار اطلاعیه ضامه بنام ۱۰ / ۸ / ۶۲ نمود و طبق قانون طمبه ها خواستار چاپ آن در نشریات شد که اطلاع کشته امور صنفی را بچاپ رسانده بودند. روزنامه جمهوری اسلامی از چاپ آن صریح زد. روزنامه های اطلاعات و کیهان طمبه تجدید ات پاسدارانی که از جانب کشته امور صنفی به دفتر روزنامه اعزام شده بودند اطلاعیه سوپر مارکتها را بچاپ رساندند

تجدیل بحران

به تولید کنندگان داخلی حذف تدریجی سوسید کالا ها مورد تصویب قرار گرفت - (اطلاعات ۱۵ آذر). یعنی برای جلوگیری از توزیع قیمت کالاهای شامل سوسید را افزایش داد تا پولهای سرگردان جمع آوری شود. این دیگر فقط از کرامات جمهوری اسلامی بر می آید که اشتباهی صبری ناپذیرین را با یافتن هر سوراخ و روزنه ای تا حد ممکن ارضاء کند. سوسید مبلغ ناچیزی است که دولت بمنوان مابه التفاوت قیمت خرید و فروش کالاهای مانند نان، قند و شکر، شیر، گوشت شیمیائی و بنزین مصرفی وانست بار و تاکسی پرداخت می کند. این رقم در یک بودجه سال ۶۳ دولت کمی بیش از یک درصد می شود. چه کسانی باید از طریق حذف سوسید پولهای سرگردان انشان جذب شود؟ به کالای

هایی که شامل سوسیدی شوند نگاه کنید. خود گویا است. و بحران سراسر جامعه را در خود فرو برد. است. سیاستها و عملکرد های رژیم جمهوری اسلامی بعلت ماهیت و ترکیب حکومتی نمی تواند جز در راستای دامن زدن به بحران قرار داشته باشد. سیاست های مقابل بحران رکود - تهری حاکم بر جامعه بیضد خود تبدیل شده و ابعاد بیگاری، رکود، تورم و هرج و مرج را گسترش میدهد. تودمها و بویژه کارگران آگاه که برای دفع صدمات شیوه تولید سرمایه داری پسا خواستند، سلطنت ضفر پهلوی را واژگون ساخته و در جهت برائی نظمی نوین از طریق صمها ( اگرچه در نطقهای ترمین شکل و غضون خود) دست به کار شدند بعلت آگاهی ناگافی، عدم تشکیلات، و ... و شیادی خمینی اسیر جمهوری اسلامی گشتند که استشار، ستم و فشار را بر انان مضاف گردانیده است.

رژیم نمی تواند خود را تثبیت کند، رقت است، تودمها ضررمد فرصتی برای حرکت گسترده و بورژوازی لیبرال و هم پیمانانش و حتی سلطنت طلبان دام گستر مانده. رژیم چنان بی حیثیت، آبرویخته و بحران زاست که ضد انقلاب مغلوب با تکیه بر آن کسب وجه می کند و استشار و دستگامحکومتی خود راه استشار شوندگان نویدی دهد. چشماحت تاریخی که این جمهوری بپاز نیاورده است. اما برای کارگران و زحمتکشان، بنظیر رشنگی کیه زمینهای که بحران های اقتصادی را صبب می شود، بنظیر رفع قاطب زمینهای فقر و فلاکت و صمروزی، رکود و تورم، سرکوب و تالانگری و بنظیر حرکت و راستای برائی جامعه های آزاد و فارغ از استشار انسان از انسان فقط یک راه وجود دارد: برقراری جمهوری دموکراتیک خلق و حرکت در راستای ساختمان سوسیالیسم.







# یادداشت‌های سیاسی

## فساد در رژیم جمهوری اسلامی

رژیم جمهوری اسلامی هنوز بر روی پا نایستاده، پیر و فرتوت گشت است فساد تمام پیکر آنرا فرا گرفته است. با عصبی تر شدن شکاف‌های درونی رژیم، درهای بسته گشوده تر میگردد و مردم بیش از پیش به حقایق پی میبرند. حقایقی که خود در عطل و در تجربه روز مریه خود به آنها دست یافته بودند، حالا از زبان همان

عاطین اصلی فجایع و دزدبها و مفسدین میشوند. دزدان بر سر تقسیم لوال دزدی با یکدیگر به نزاع افتاده‌اند. اکنون، آشکارتر گشته است که شاه دزد ها غیر از مسئولین اصلی رژیم جمهوری اسلامی و بنیانگذاران آن اصلی ترین آنها یعنی خمینی کسی نیست. تا چندی پیش همه از خود بقیه در صفحه ۹

بیست و پنجمین سالگرد  
انقلاب کوبا گرامی باد  
★ ★ ★



### سال نو میلادی

پروم میهنان مبارز مسیحی

### مبارک باد

سال نو مسیحی در شرایطی آغاز میشود که رژیم جمهوری اسلامی بیشترین فشارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را بر کلیه اقلیت‌های مذهبی اعمال می‌کند. هم میهنان مسیحی ما در تجربه عظمی دریافتانند که تنها با یک مبارزه همه جانبه در شادوش کلیه کارگران و زحمتکشان ایران قادر خواهند بود به حقوق واقعی خود در کلیه زمین‌ها دست یابند. باشد که سال نو مسیحی آغازگر تلاش پیکر و همعانبه شما در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق باشد.

★ ★ ★ ★

## “حصار اقتصادی”

### فویب رژیم علیه زحمتکشان

اکنون دیگر نه تنها میدیدی است که تود ما را ۳ روابط همعانبه و رویگسترن رژیم با شمارهای توخالی صد امپریالیستی و ضد امپریالیست‌های دست اول و دست دوم و آمریکایی رژیم را به صخره گرفتارند. کارگران وابستگان را باور کنند یا شمارهای خواب و زحمتکشان میهن ما در جریان زندگی فویبانه رژیم را؟ روزمره خود در خیابان و کارخانه و بندر و گمرک و ادارات و... به چشم خویش دروغین می‌شوند بی‌فاصله تحریم اقتصادی را بهانه بودن شمارهای ضد امپریالیستی رژیم جمهوری می‌کنند و خود هرگز آبی و گرانی هر چیزی اسلامی را دیدمانند. راستی که مردم باید تصمیم بگیرند به اصطلاح تحریم اقتصادی ام خروس را باور کنند یا قبح حضرت عباس

بقیه در صفحه ۱۱

## نگرشی بر فعالیت‌های تشکیلات خارج از کشور سازمان

نشریه جهان ارگان هواداران - زیر درج شده است :  
سازمان در خارج از کشور بطور - نشریه جهان شماره ۱۱  
منظم و با تلاش بی وقفه رفقای موافق - پیام همبستگی سازمان چریک‌ها  
منتشر میگردد. فدائی خلق ایران به جبهه آزادیبخش  
در آخرین شماره ای نشریه مطالب

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق